



بالکان و امنیت اروپا

منطقه بالکان غربی که زمانی مصرف‌کننده حمایت‌های خارجی بود، اکنون در حال تبدیل شدن به تأمین‌کننده ثبات است. شش کشور این منطقه که در صف ورود به اتحادیه اروپا ایستاده‌اند، به‌طور فزاینده‌ای درباره سهم خود در امنیت و دفاع اروپا سخن می‌گویند.

تهاجم همه‌جانبه روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، دفاع جمعی را به اولویت اصلی اروپا تبدیل کرده است. اکنون، پس از گذشت بیش از سه سال از جنگ، اروپا به دنبال آن است که شرکای محلی چگونه می‌توانند در تلاش جمعی برای مهار روسیه، تقویت تاب‌آوری در برابر تهدیدات ترکیبی (هیبریدی) و پذیرش مسئولیت‌های حفظ صلح در همسایگی خود مشارکت کنند. آلبانی و مونته‌نگرو در گروه‌های رمزی ناتو در لتونی و بلغارستان حضور دارند و آلبانی به تنهایی در هر مقطع زمانی، ۵۰۰ پرسنل نظامی در مأموریت‌های ناتو و اتحادیه اروپا مستقر کرده‌است. تلاش‌ها برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع دفاعی، نوسازی ارتش، افزایش همکاری با متحدان و توسعه هوش مصنوعی در این کشورها در حال انجام است. حتی مقدونیه شمالی نیز تابستان امسال میزبان یک رزمایش بزرگ در یکی از مهم‌ترین میدان‌های تمرینی ناتو بود.

حتی نزدیک‌ترین دوست مسکو، یعنی صربستان نیز در حال بهره‌برداری از این بیداری دفاعی اروپاست در ماه مه گذشته، اطلاعات روسیه، بلگراد را به تحویل مهمات به کی‌یف از طریق واسطه‌ها متهم کرد. اگرچه بلگراد این معاملات را انکار کرده، اما به‌طور ضمنی از اینکه به اوکراین کمک کرده، خرسند است. بالکان غربی میزبان حدود ۲۰۰ شرکت دفاعی است که عمدتاً در صربستان و بوسنی قرار دارند و می‌توانند مهماتی سازگار با استانداردهای ناتو و پیمان ورشو (شاید حتی مؤثرتر از خود اتحادیه اروپا) تولید کنند. برای مثال، ظرفیت تولید ادعایی بوسنی، پنج برابر هدف‌گذاری یک سرمایه‌گذاری مشترک یک میلیارد یورویی میان آلمان و بلغارستان است. این ظرفیت می‌تواند به شدت به تأمین تدارکات اتحادیه اروپا برای اوکراین کمک کند.

فراتر از مهمات، بالکان غربی باید بتواند از مکانیسم‌ها و ابزارهای مالی مشترک اروپایی برای تقویت بخش دفاعی خود بهره‌مند شود. این فهرست شامل «صندوق دفاعی اروپا»، وام‌های بلندمدت و «برنامه صنعت دفاعی اروپا» (EDIP) است که حدود ۱/۵ میلیارد یورو کمک بلاعوض برای دوره ۲۰۲۵-۲۰۲۷ در نظر گرفته است. ارتباط با «اژانس دفاعی اروپا» (EDA) نیز می‌تواند تقویت شود. در حالت ایده‌آل، هر شش کشور بالکان غربی باید به عضویت این اژانس درآیند. تمایل فزاینده‌ای نیز در میان اعضای اتحادیه اروپا (مانند فرانسه و ایتالیا) برای تعمیق همکاری امنیتی با کشورهای بالکان غربی، به‌ویژه در مورد زیرساخت‌ها و صنایع دفاعی وجود دارد.

البته موانعی نیز در این مسیر وجود دارد.

اولین مانع، تقسیم‌بندی خود منطقه است: میان اعضای ناتو، اعضای بالقوه (بوسنی و کوزوو) و صربستان بی‌طرف. تا زمانی که صربستان یک سیاست خارجی چندوجهی را دنبال کرده و از روسیه و چین تجهیزات نظامی وارد کند، همکاری با موانع جدی روبه‌رو خواهد بود. گذار به پلنفرم‌های غربی زمان‌بر است و فقدان اعتماد میان صربستان و همسایگانش، در همکاری‌های دفاعی با مبارزه با تهدیدات ترکیبی، اخلال ایجاد خواهد کرد.

مانع دوم که سهمگین‌تر است، وضعیت بخش امنیت در سراسر منطقه است. در چندین کشور، نقش اصلی ارتش، اطلاعات و پلیس، نه خدمت به منافع عمومی، بلکه حفظ قدرت حاکمان و محافظت از شبکه‌های فساد و مشتری‌مداری است. جرائم سازمان‌یافته فراملی، روابطی همزیستانه با حافظان دولت، چه در اعضای ناتو مانند آلبانی و مونته‌نگرو و چه در صربستان، ایجاد کرده‌اند. این مشکلات مزمن، مانع یکپارچگی مؤثر آن‌ها در سازوکارهای اروپایی و ناتو می‌شود.

آخرین مسئله، اقتصاد است. جذب سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک بین‌المللی برای اقتصادهای کوچک دشوار است، مگر آنکه با هم متحد شوند. بالکان غربی هنوز نتوانسته یک تولیدکننده بزرگ اروپایی، ترکیه‌ای یا آمریکایی را برای راهاندازی کسب‌وکار در منطقه جذب کند. هرچند نوسازی نظامی می‌تواند تقاضای داخلی ایجاد کند، اما هزینه‌های دفاعی همچنان زیر ۲ درصد تولید ناخالص داخلی در نوسان است که بسیار پایین‌تر از معیار ۳/۵ درصدی ناتو می‌باشد.



محمدحسین لطف‌الهی

خبرنگار بین‌الملل

همزمان با تداوم نقض حقوق فلسطینیان توسط دولت و نیروهای نظامی اسرائیل، دولت آمریکا می‌کوشد تا پرونده‌های نقض حقوق بشر از سوی تل‌آویورا مسکوت بگذارد.

تابستان ۲۰۲۲، چند ماه پس از قتل شیرین ابوعاقله، خبرنگار الجزیره در کرانه باختری، وزارت امور خارجه آمریکا ارزیابی خود را از این حادثه منتشر کرد. در این ارزیابی نوشته شده بود که یک سرباز اسرائیلی «احتمالاً مسئول شلیک به این خبرنگار است» اما «هیچ دلیلی برای عمدی بودن این حادثه یافت‌نشد» و کشته‌شدن شیرین ابوعاقله «نتیجه یک وضعیت ترازیک» بود.

انتشار نتایج این ارزیابی، خشم فلسطینیان و بسیاری از نهادهای گروه‌های حامی حقوق بشر را که شاهد جنایت‌های اسرائیل بودند، برلنگیخت.

در شرایطی که بسیاری از مقام‌های درگیر در این تحقیقات، شخصاً باور داشتند که قتل شیرین ابوعاقله تنها یک حادثه ترازیک نبود، دولت‌بایدن می‌کوشید چندان به این جنایت نپردازد. اواخر ماه اکتبر، سرهنگ استیو گاباویکس که ماه ژانویه از خدمت بازنشست شده بود، در گفت‌وگویی با روزنامه نیویورک تایمز اعلام کرد که دولت بایدن لحن گزارش فنی درباره قتل شیرین ابوعاقله را تعدیل کرده بود. او پیش‌تر این موضوع را در یک مستند مطرح کرده بود اما برای اولین بار در گفت‌وگو با نیویورک تایمز تصمیم گرفت تا با هویت واقعی خود این مسئله را عنوان کند.

به گفته گاباویکس، در تمام طول تحقیقات سوگیری آشکاری به نفع اسرائیلی‌ها وجود داشت و زمانی که او به این موضوع اعتراض کرد، از سوی مقام‌های بالاتر تهدید شد که در صورت اعتراض به کلی از روند تحقیقات کنار گذاشته می‌شود. گاباویکس می‌گوید او دیگر پژوهشگرانی که مشغول تحقیق درباره این حادثه بودند، به این نتیجه رسیدند که شلیک به خبرنگار الجزیره «عمدی» بوده است. این سرهنگ بازنشسته آمریکایی تأکید دارد که بررسی مکالمات بی‌سیم ارتش اسرائیل نشان می‌داد که سربازان اسرائیلی از وجود خبرنگاران در آن مکان آگاه بودند و از نقطه استقرار اسرائیلی‌ها، تفاوت پوشش یک خبرنگار با سایرین واضح بود.

این جنایت، تنها جنایتی نبود که کاخ سفید روی آن سروپوش می‌گذاشت. روز ۳۰ اکتبر، واشنگتن‌پست از وجود گزارشی طبقه‌بندی‌شده پرده برداشت. به نوشته این روزنامه، یافته‌های گزارش مذکور نشان می‌داد واحدهای نظامی ارتش اسرائیل مرتکب «صدها مورد نقض حقوق بشر» در نوار غزه شده‌اند.

به گفته دو مقام آمریکایی، این تحقیق بر اساس «قانون لیهی» و توسط دفتر بازرسی وزارت امور خارجه انجام شده بود. «قانون لیهی» (Leahy Law) قانونی در ایالات متحده آمریکاست که کمک‌های نظامی و آموزشی این کشور به نیروهای امنیتی یا نظامی خارجی را در صورت وجود شواهدی مبنی بر «نقض فاحش حقوق بشر» محدود می‌کند.

این قانون برای اولین بار در سال ۱۹۹۷ به عنوان بخشی از لایحه اعتبارات عملیات خارجی تصویب شد. فلسفه اصلی این قانون، ایجاد یک اهرم فشار دقیق بود. برخلاف سایر تحریم‌ها که ممکن است کل یک کشور را هدف قرار دهند، قانون لیهی به‌طور خاص

حقوق بشر

نشریه نیولاینز در گزارشی حمایت آمریکا از جنایت متحدهانش را یک الگوی تکرارشونده می‌خواند که صرفاً شامل اسرائیل نمی‌شود: «واکنش آمریکا به جنایات جنگی اسرائیل نه منحصر به فرد است و نه غیر منتظره. ایالات متحده از زمانی که به یک ابرقدرت جهانی بدل شد، بارها جنایات متحدهانش را که با تسلیحات آمریکایی انجام شده، انکار کرده، کم‌اهمیت جلوه داده یا بر آن‌ها سروپوش گذاشته است. همچنین، تلاش‌ها برای پایان دادن به خشونت را با استفاده از حق وتو در سازمان ملل مسدود کرده و نهادهای حقوقی بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشری را به دلیل تلاش برای پاسخگو کردن عاملان بر اساس حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، مورد حمله قرار داده است.»

واحدهای (units) متخلف در نیروهای امنیتی خارجی را هدف قرار می‌دهد. این رویکرد به ایالات متحده اجازه می‌دهد تا ضمن حفظ روابط دیپلماتیک و استراتژیک، اهرم فشاری قدرتمند برای وادار کردن آن دولت به اجرای عدالت و پاسخگویی در مورد واحدهای نظامی یا پلیس «سرکش» خود در اختیار داشته‌باشد.

این مقام‌های آگاه اظهار کرده‌اند که یافته‌های این نهاد ناظر، به دلیل حجم زیاد موارد بررسی نشده و ماهیت فرایند بررسی که تا حد زیادی سهل‌گیرانه است، تردیدهایی جدی را در خصوص چشم‌انداز پاسخگو شدن ارتش اسرائیل برای جنایت‌های صورت‌گرفته ایجاد می‌کند.

گزارش مذکور تنها چند روز پیش از برقراری آتش‌بس میان اسرائیل و حماس که در ازای آزادی تمام گروگان‌های اسرائیلی به جنگ در غزه پایان می‌داد و امکان ورود کمک‌های بشردوستانه و امدادی به نوار غزه را فراهم می‌کرد، نهایی شد و مقام‌های آمریکایی با تأکید بر محرمانه بودن مفاد گزارش از انتشار عمومی آن خودداری می‌کنند، اما جنایت‌های اسرائیل کماکان ادامه دارد.

هرچند روی کاغذ، آتش‌بس میان اسرائیل و حماس همچنان برقرار است اما گشتار فلسطینی‌ها توسط نظامیان اسرائیلی متوقف نشده است. روز سه‌شنبه هفته گذشته، در پی حملات اسرائیل به نوار غزه دست کم ۱۰۴ فلسطینی کشته شده و ده‌ها نفر زخمی شدند. اسرائیل مدعی شد که این حملات در پی نقض آتش‌بس از سوی حماس صورت گرفته و تأکید کرد که همچنان به آتش‌بس پایبند است. تزار ربر، معاون کمیسیون اروپا به‌طور علنی بمباران مجدد غزه توسط اسرائیل را محکوم و تأکید کرد که اروپا «به فرصتی برای صلح نیاز دارد، نه پنهانه‌ای برای حملات جدید». او یکی از معدود مقامات ارشد اتحادیه اروپا است که در هفته‌های اخیر، حمله اسرائیل را «نسل‌کشی» توصیف کرده است.

خود کمیسیون اروپا در واکنش به این حملات از نام‌بردن اسرائیل خودداری کرد. انوار العنونی، سخنگوی این کمیسیون، صرفاً از «تمام طرف‌ها» خواست به آتش‌بس پایبند باشند و از هر کاری که ممکن است توافق را به خطر بیندازد، خودداری کنند.

دولت آمریکا در واکنش به این جنایت بار دیگر سیاست توجیه اقدامات اسرائیل و سروپوش گذاشتن بر جنایت‌های آن را انتخاب کرد.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا که در آن زمان در سفر آسیایی به سر می‌برد، روز چهارشنبه در جریان پرواز به کره جنوبی گفت: «تا جایی که من فهمیدم، آن‌ها یک سرباز اسرائیلی را کشتند و اسرائیلی‌ها هم پاسخ دادند. باید هم پاسخ بدهند. وقتی چنین اتفاقی می‌افتد، باید پاسخ بدهند.» او افزود: «هیچ چیز آتش‌بس را

سروپوش گزافه‌اش

چرا آمریکا مانع از افشای جن

به خطر نمی‌اندازد. باید درک کنید که حماس بخش بسیار کوچکی از صلح در خاور میانه است و آنها باید رفتار مناسبی داشته باشند.»

❖ ترامپ یک استثنا نیست

بسیاری از تحلیلگران باور دارند اگر حمایت‌های ایالات متحده نبود، اسرائیل نمی‌توانست بدون نگرانی از عواقب، دست به چنین نسل‌کشی گسترده‌ای در غزه بزند. با این حال، در سیاست آمریکا در قبال اسرائیل، ترامپ یک استثنا در میان رؤسای جمهور این کشور محسوب نمی‌شود و چنانچه به آنچه در ماجرای شیرین ابوعاقله اتفاق افتاد، دولت‌های پیشین آمریکانیز سروپوش گذاشتن بر جنایت‌های اسرائیل را وظیفه خود می‌دانستند. آشاک سوابین، پژوهشگر تاریخ آمریکادر نشریه نشنال هرالد در این باره می‌نویسد: «واقعیت این است که هیچ رئیس‌جمهور آمریکا، چه دموکرات و چه جمهوری خواه، هرگز حاضر نشده است که از اهرم فشار قدرتمندی که آمریکا در اختیار دارد برای مهار اسرائیل استفاده کند.» به نوشته او، این اتحاد توانسته است از دل جنگ‌ها، اشغالگری‌ها و بحران‌های انسانی مکرر، جان سالم‌به در ببرد. دلیل این ماندگاری، نه چشم‌پوشی و اشنگتن از تندروی‌های اسرائیل، بلکه آگاهی رهبران سیاسی آمریکا از هزینه‌ی بسیار بالای رویارویی با آن است. لابی قدرتمند طرفدار اسرائیل، به رهبری ایک (AIPAC)، همچنان یکی از بانفوذترین نیروها در واشنگتن به‌شمار می‌رود. این لابی از حمایت هر دو حزب برخوردار است، شبکه‌ای سراسری از اهداکنندگان مالی و لابی‌گراها را سازماندهی می‌کند و تضمین می‌کند که اکثریت کنگره همواره بسته‌های کمکی به اسرائیل را تصویب کند و جلوی هرگونه اقدام علیه اسرائیل را بگیرد. علاوه بر این، مسیحیان انجیلی که تقریباً یک چهارم جمعیت و بدنه اصلی رأی جمهوری خواهان را می‌سازند، بقای اسرائیل را یک ضرورت برآمده از کتاب مقدس می‌دانند. اهداکنندگان ثروتمند، مبالغ هنگفتی را به کارزارهای انتخاباتی تزریق می‌کنند. برای سیاستمدارانی که این اجماع را به چالش بکشند، خطرات بسیار جدی شامل از دست دادن بودجه، مواجهه با رقیب جدی در انتخابات مقدماتی، و روبه‌رو شدن با رچسب یهودستیزی وجود دارد.»

او با اشاره به این موارد می‌نویسد که بسیاری از رؤسای جمهور دموکرات نیز که در دهه‌های اخیر داعیه حقوق بشر داشته‌اند، به دلیل نگرانی از تبعات درگیر شدن با لابی حامی اسرائیل، ترجیح داده‌اند سخت‌گیری زیادی علیه اسرائیل نداشته باشند و به حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی از این رژیم ادامه دهند.

نشریه نیولاینز در گزارشی حمایت آمریکا از جنایت متحدهانش را

